



An Explanation of the Principles of Foreign Policy in the Holy Qur'an with an Emphasis on the Thought of Imam Khomeini*

Ruhollah Davari 

Researcher in Qur'anic and Hadith Studies, Research Center for Islamic Theology and Teachings,
Imam Sadiq Islamic Sciences Research Institute, Qom, Iran.

rdavari68@gmail.com

Abstract

Islamic teachings encompass all dimensions of human life and provide foundations, principles, and practical approaches for all aspects of human affairs. One of the fundamental issues in religious thought concerns how an Islamic state should interact with other states, or, in other words, "foreign policy." According to the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the Supreme Leader is the highest authority responsible for decision-making on the system's overarching foreign policy. An examination of his statements and speeches indicates that these decisions and views are rooted in Qur'anic and jurisprudential principles and teachings. Using a library-based methodology and a thematic exegesis approach, this study seeks to answer the following central question: "To what extent can the principles of foreign policy, with an emphasis on the thought of Imam Khomeini, be substantiated on the basis of the Holy Qur'an?" After clarifying the concept of foreign policy, the study examines and analyzes

* **Cite this Article:** Davari, R. (2026). An Explanation of the Principles of Foreign Policy in the Holy Qur'an with an Emphasis on the Thought of Imam Khomeini. *Jurisprudence and Politics*, 7(1), pp. 313-343.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75357.1137>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2025/10/02 • **Revised:** 2025/12/11 • **Accepted:** 2026/02/14 • **Published online:** 2026/03/29

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

the principles of foreign policy in the Holy Qur'an, with particular emphasis on the thought of Imam Khomeini. The findings indicate that "rejection of domination" (*nafty al-sabil*), "Islamic unity," "support for the oppressed," "rejection of oppression and submission to oppression," "fulfillment of international commitments," "peace with non-belligerent states," and "independence" are among the most important principles of foreign policy articulated in the Holy Qur'an on the basis of Imam Khomeini's thought.

Keywords

Foreign Policy of the Islamic State; Principles of Foreign Policy; Political Thought of Imam Khomeini; Qur'anic Thought of Imam Khomeini; Political Jurisprudence.



تبیین مبادئ السياسة الخارجية في القرآن الكريم

مع التأكيد على فكر الإمام الخميني رحمته الله*

روح الله داوري id

باحث في معارف القرآن والحديث، معهد الدراسات اللاهوتية والمعارف الإسلامية، المعهد العالي للإمام الصادق عليه السلام للعلوم الإسلامية، قم، إيران.
rdavari68@gmail.com

الملخص

تشمل التعاليم الإسلامية جميع أبعاد حياة الإنسان، وتقدم لشؤون الحياة كافة أسساً ومبادئ وحلولاً عملية. ومن الموضوعات الأساسية في الفكر الديني كيفية تفاعل الدولة الإسلامية مع سائر الدول، أو ما يُعبّر عنه بـ«السياسة الخارجية». واستناداً إلى الدستور الإيراني، يُعدّ القائد الأعلى للثورة الإسلامية أعلى مرجعية لاتخاذ القرار في السياسات الخارجية الكبرى للنظام. وتُظهر دراسة بياناته وخطاباته أنّ هذه القرارات والرؤى تنبثق من مبادئ وتعاليم قرآنية وفقهية.

يعتمد هذا البحث المنهج المكتبي ومقاربة التفسير الموضوعي، ويسعى إلى الإجابة عن السؤال الرئيس الآتي: «إلى أي مدى يمكن الاستناد إلى مبادئ السياسة الخارجية، مع التأكيد على فكر الإمام الخميني عليه السلام، في القرآن الكريم؟». وفي هذا البحث، وبعد تبين مفهوم السياسة الخارجية، تمّت دراسة وتحليل مبادئ السياسة الخارجية في القرآن الكريم، مع التأكيد على فكر الإمام الخميني عليه السلام.

* الاستناد إلى هذه المقالة: داوري، روح الله. (٢٠٢٦). تبين مبادئ السياسة الخارجية في القرآن الكريم مع التأكيد على فكر الإمام الخميني عليه السلام. الفقه والسياسة، ٧(١)، صص ٣١٣-٣٤٣.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75357.1137>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/١٠/٠٢ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٢/١١ • تاريخ القبول: ٢٠٢٦/٠٢/١٤ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٦/٠٣/٢٩

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

٣١٥
فقه
سیاست

تبیین اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته الله

تُظهر نتائج البحث أنّ «نفي السبيل»، و«الوحدة الإسلامية»، و«نصرة المستضعفين»، و«نفي علاقة الظلم والاستضعاف»، و«الوفاء بالالتزامات الدولية»، و«السلم مع الدول غير المحاربة»، و«الاستقلال»، تُعدّ من أبرز مبادئ السياسة الخارجية في القرآن الكريم، استناداً إلى فكر الإمام الخميني عليه السلام.

الكلمات المفتاحية

السياسة الخارجية للدولة الإسلامية، مبادئ السياسة الخارجية، الفكر السياسي للإمام الخميني عليه السلام، الفكر القرآني للإمام الخميني عليه السلام، الفقه السياسي.



تبیین اصول سیاست خارجی در قرآن کریم

با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام*

روح الله داوری 

پژوهشگر معارف قرآن و حدیث، پژوهشکده الهیات و معارف اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران.
rdavari68@gmail.com

چکیده

آموزه‌های اسلامی تمام ابعاد حیات بشر را دربرمی‌گیرد و برای تمامی شئون زندگی، مبنای، اصول و راهکارهای عملی ارائه می‌دهد. یکی از موضوعات بنیادین در اندیشه دینی، نحوه تعامل دولت اسلامی با سایر دولت‌ها یا به عبارتی «سیاست خارجی» است. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در سیاست‌های کلان خارجی نظام است. بررسی بیانیه‌ها و سخنرانی‌های ایشان نشان می‌دهد که این تصمیمات و دیدگاه‌ها برآمده از اصول و آموزه‌های قرآنی و فقهی است.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و رویکرد تفسیر موضوعی، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است: «اصول سیاست خارجی با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام، تا چه میزان در قرآن کریم قابل استناد است؟» در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم سیاست خارجی، اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «نفی سبیل»، «وحدت اسلامی»، «حمایت از مستضعفان»، «نفی

* استناد به این مقاله: داوری، روح الله. (۱۴۰۵). تبیین اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام. فقه و سیاست، ۱۷(۱)، صص ۳۴۳-۳۱۳.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75357.1137>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۰۹

© 2026

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

رابطه ستمگری و ستم‌پذیری»، «وفای به تعهدات بین‌المللی»، «صلح با دول غیرمحارب» و «استقلال»، از مهمترین اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تکیه بر اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه به‌شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها

سیاست خارجی دولت اسلامی، اصول سیاست خارجی، اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه، اندیشه قرآنی امام خمینی رحمته الله علیه، فقه سیاسی.

بیان مسئله

دین مبین اسلام به عنوان آخرین آیین الهی، برنامه‌ای جامع برای سعادت بشریت ارائه کرده است که محدود به زمان و مکان خاصی نیست. در این جهان‌بینی فرازمانی و فرامکانی، مقوله «سیاست خارجی» به عنوان ابزاری برای تنظیم روابط دولت اسلامی با سایر کنشگران بین‌المللی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با این حال، مسئله اصلی اینجاست که چگونه می‌توان اصول سیاست خارجی یک دولت اسلامی را از متن وحیانی قرآن کریم استخراج کرد تا با مقتضیات عصر حاضر سازگار باشد؟ جمهوری اسلامی ایران، به عنوان دولتی که مدعی ارائه‌ی الگوی حکمرانی مبتنی بر آموزه‌های دینی و هدف‌گذاری برای تمدن‌سازی نوین است، نیازمند بازخوانی مستمر این اصول در اندیشه رهبران خود است. در این میان، اندیشه امام خمینی علیه السلام به عنوان بنیان‌گذار این نظام و مفسر عملی آموزه‌های قرآن در عرصه سیاست، نقش کانونی در تبیین این جهت‌گیری‌ها ایفا می‌کند. این پژوهش بر آن است تا با تمرکز بر این خلأ مطالعاتی، اصول سیاست خارجی را در لایه‌های معنایی قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام واکاوی نماید.

اهمیت این مطالعه را می‌توان در سه محور اصلی تبیین کرد:

۱. «اهمیت نظری و بنیادین»: با توجه به جهان‌شمول بودن اسلام، تبیین «نظریه‌ی سیاست خارجی قرآنی» یک نیاز علمی است تا از برداشت‌های سطحی یا مقطعی از روابط بین‌الملل در اسلام جلوگیری شود. این تحقیق با رویکرد «تفسیر موضوعی»، تلاش می‌کند اصول ثابتی را از متن قرآن استخراج کند که فراتر از نوسانات سیاسی روز، به عنوان شالوده‌های سیاست خارجی یک دولت دینی عمل کنند.

۲. «نیاز به انطباق علم و عمل»: در شرایطی که فضای بین‌الملل با چالش‌های پیچیده‌ی هویتی و سیاسی روبروست، دولت اسلامی باید در «عرصه علم و عمل» خود را باز یابد. همگان می‌دانند جامعه جهانی شکل گرفته و تمامی حجاب‌ها و موانعی که در گذشته در مسیر روابط انسانی نهاده شده برچیده شده و در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... بسترهایی را فراهم آورده است که انسان‌ها را

به ناچار در فضای روابط گوناگون قرار می‌دهد. بدیهی است جوامعی که این معنا را بهتر و عمیق‌تر درک کرده باشند، پیشرفت و توسعه را بهنگام‌تر برای خود به ارمغان آورده و کامیاب‌ترند و ملّتی که این واقعیت اجتماعی را نیافته و به اندیشه واهی برتری ذاتی و ثبوتی خود مغرور شده و از حضور و اثبات در صحنه‌های جهانی بازمانده است، قطعاً متوقّف و راکد خواهد ماند.

جمهوری اسلامی ایران که به حقّ ادّعای عظیم حکومت واحد جهانی را مطرح و مبانی و اصول آن را در اندیشه و باور خود نهاده کرده و در انتظار جامعه جهانی به زعامت زعیم آسمانی و مهدی محمدی علیه السلام روزشماری می‌کند، قطعاً باید هم در عرصه علم و هم در صحنه عمل خود را یافته، باور کند و گام بردارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

۳. «زمینه‌ای برای دستیابی به جنبه‌های الهی بشر»: اصلاح روابط انسانی و نزاهت آن از هر نوع خصلت مذموم - همانند استکبار و استثمار - مایه پیشرفت، آسایش و ارتقاء حیات بشری و زمینه‌ای برای دستیابی به جنبه‌های الهی بشر است. در واقع، دین با هر دو جنبه روشنگرانه اش اعمّ از نقل و عقل، بر روابط صحیح، انسانی و الهی با همه اقوام و ملل تأکید داشته و بر آن اصرار می‌ورزد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۰).

از این رو، این پژوهش می‌کوشد پاسخی مستدل به این پرسش ارائه دهد که اصول سیاست خارجی با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام، تا چه میزان در قرآن کریم قابل استناد است؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تفسیر موضوعی اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد مطالعات انجام‌شده درباره اصول سیاست خارجی را می‌توان در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد. دسته نخست، آثاری هستند که به مباحث کلی دین و سیاست خارجی پرداخته‌اند و در برخی موارد نیز وارد جزئیات شده‌اند.

دسته دوم، آثاری هستند که اصول سیاست خارجی را از منظر قرآن کریم بررسی کرده‌اند، اما نه به صورت جامع. در واقع پژوهشی که اصول سیاست خارجی را از منظر قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام، به صورت منسجم تبیین کند، مشاهده نمی‌شود. نوآوری مقاله حاضر نیز در پر کردن این خلأ پژوهشی است.

جدول پیشینه پژوهش

پژوهش	موضوع و یافته‌های اصلی	محدودیت پژوهش نسبت به مقاله حاضر
جوادی آملی (۱۳۸۸)، اسلام و روابط بین‌الملل	این کتاب در دو بخش تنظیم شده است: در بخش نخست به مباحث کلی در زمینه خاستگاه تنظیم روابط بین‌الملل و در بخش دوم، مبسوط به بحث همزیستی مسالمت آمیز در حوزه‌های گوناگون دینی و غیردینی پرداخته شده است.	تمرکز این کتاب بر خاستگاه تنظیم روابط بین‌الملل و بحث همزیستی مسالمت آمیز است و اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد تبیین قرار نگرفته است.
حقیقت (۱۳۸۵)، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی	در این کتاب، افزون بر مبانی و اهداف، اصول سیاست خارجی همچون: مصلحت، دفاع از سرزمین و اولاً با رویکرد تفسیر موضوعی منافع مسلمانان، نفی ولایت کافران، هم‌زیستی مسالمت آمیز و... مورد تبیین قرار گرفته است.	تفاوت این کتاب با مقاله حاضر در آن است که مقاله حاضر در آن با رویکرد تفسیر موضوعی به اصول سیاست خارجی پرداخته و ثانیاً این اصول با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار گرفته است.
محمدی (۱۳۶۶)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	این کتاب یک تحلیل جامع از مبانی نظری و اصول حاکم بر سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی است. با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار	در این کتاب اصول سیاست خارجی از منظر قرآن کریم و ایران پس از انقلاب اسلامی است. با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار

پژوهش	موضوع و یافته‌های اصلی	محدودیت پژوهش نسبت به مقاله حاضر
	چون ایدئولوژی، منافع ملی و جایگاه ایران در منطقه و جهان پرداخته است.	نگرفته است.
سجادی (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی در قرآن	در این مقاله، اصولی همچون «نفی سبیل»، «دعوت یا جهاد»، «عزت اسلامی»، «الزام به پیمان‌های سیاسی» مورد تبیین قرار گرفته است.	برخی از اصول سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفته و بیشتر اصول احصاء نشده است.
عمید زنجانی و توکلی (۱۳۹۱)، مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	در این مقاله، اصول سیاست خارجی که از قانون اساسی جمهوری اسلامی، مستفاد می‌شوند برشمرده شده، آن‌گاه مبانی دینی آنها به صورت کلی مورد تبیین قرار گرفته است.	در این پژوهش، اولاً مبانی دینی همه اصول سیاست خارجی که برشمرده به صورت تفصیلی بررسی نشده است، ثانیاً این اصول با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار نگرفته است.
حسین پور اصل، حدادی و لک‌زایی (۱۴۰۴)، اصول حکمرانی سیاست خارجی در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری: مطالعه موردی تفسیر سورة ممتحنه	هدف اصلی این پژوهش، تبیین اصول حکمرانی سیاست خارجی از تفسیر مقام معظم رهبری از سورة ممتحنه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این اصول در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری بازتابی از سه اصل کلان است: ۱. عزت و کرامت در روابط بین الملل؛ ۲. تعامل حکیمانه و عدالت محور و ۳. توکل و استعانت از خداوند در سیاست خارجی. این اصول، چارچوبی جامع و راهبردی برای تنظیم سیاست خارجی ارائه می‌دهند.	در این مقاله، اصول حاکم بر سیاست خارجی با تأکید بر سورة ممتحنه از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین شده است، اما اصول سیاست خارجی با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار نگرفته است.

۱. مفاهیم

۱-۱. سیاست خارجی

در رابطه با مفهوم سیاست خارجی بعضی معتقدند این مفهوم در هر کشور عبارت است از:

۱. «راهبرد یا رشته طراحی شده عمل که به وسیله تصمیم گیرندگان یک دولت در

مقابل دیگر دولت‌ها و واحدهای بین‌المللی به منظور اهداف مشخص اعمال

می‌شود» (Plano, 1988, p. 6).

۲. براساس تعریفی دیگر سیاست خارجی یعنی: «تدوین، اجرا و ارزیابی

تصمیم‌گیری‌هایی که از دیدگاه خاص همان کشور جنبه‌ی برون مرزی دارد»

(کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۴۲).

۳. در واقع جهتی را که یک دولت در روابط خارجی خود بر می‌گزیند و در آن از

خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه‌ی نگرش دولت را نسبت به جامعه

بین‌المللی سیاست خارجی می‌گویند (محمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳). در سیاست خارجی

دولت اسلامی، نقش مکتب اسلام بسیار تعیین کننده است و دولت اسلامی

ارزش‌های اسلامی را بر اهداف و منافع خود در سیاست خارجی حاکم می‌بیند.

۲-۱. اصول سیاست خارجی

اصل به معنای اساس شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۰۹)، ریشه و پایه است (قرشی بنایی،

۱۳۷۱، ج ۱، ص ۸۸). به باورها و قواعد کلی که مسائل فرعی‌تر از آنها استنتاج می‌شود و

چارچوب رفتاری سیاست خارجی دولت اسلامی را تعیین می‌کند و همواره توجه و

پای‌بندی بدان لازم است، به عنوان «اصل» یاد می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

۲. روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله کتابخانه‌ای - اسنادی است. این روش، یکی از رایج‌ترین

روش‌ها در پژوهش‌های علوم انسانی است. در این روش، پژوهشگر بجای گردآوری

داده از میدان یا آزمایش، اطلاعات مورد نیاز را از منابع مکتوب و اسناد موجود به دست می آورد. این مقاله، با هدف تبیین اصول سیاست خارجی، به روش کتابخانه‌ای-اسنادی و با رویکرد تفسیر موضوعی انجام شده است. در این راستا، با جست و جوی نظام‌مند در منابع دست اول (آیات قرآن کریم، آثار امام خمینی علیه السلام، تفاسیر مرجع) و منابع دست دوم (مقالات و کتاب‌های تخصصی)، داده‌های مرتبط با اصول سیاست خارجی گردآوری شده‌اند. فرآیند تحلیل داده‌ها نیز شامل استخراج مفاهیم کلیدی، طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوای متون دینی جهت رسیدن به نتایج نهایی است.

۳. اصول سیاست خارجی

در این بخش اصول سیاست خارجی استنباط شده از قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱. اصل نفی سبیل

مستند این اصل، آیه ۱۴۱ سوره نساء است که مشهور به آیه نفی سبیل است: «... و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است»^۱. مقصود این آیه این است مؤمنین به اذن خدا پیوسته بر کفار غالب هستند، البته مادامی که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، هم چنان که در جای دیگر این وعده را صریحاً داده و فرموده: «و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید»^۲ (آل عمران، ۱۴۱) (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۱۶).^۳ بر این اساس، هرگونه رفتار، داد و ستد، تعامل و روابط دولت اسلامی و مسلمانان که زمینه استیلا و برتری کفار را بر مسلمانان فراهم نماید،

۱. «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

۲. «وَلَا تَهْوَوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

۳. در رابطه با تسلط نیافتن کفار بر مسلمانان در تکوین یا تشریع اقوال مختلفی وجود دارد. بعضی نیز معتقدند خداوند در تکوین و تشریع راهی را بر تسلط کفار بر مسلمانان قرار نداده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، صص ۷۲۲-۷۲۳).

مردود و خلاف شرع است (مصطفوی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۵). بنابراین اگر رابطه اقتصادی، سیاسی و هرگونه رابطه‌ای با جوامع دیگر، عزت دولت اسلامی را به خطر بیندازد، نباید چنین رابطه‌ای صورت بگیرد.

این آیه که در کتب فقهی مشهور به قاعده نفی سبیل است، در ابواب مختلف فقه کاربرد دارد و فقها در موارد متعددی به این اصل استناد نموده‌اند. مثلاً در بیع گفته شده کافر بر مسلمان از طریق اجاره و رهن تسلط ندارد (نک: مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۴۴۰). در بحث قضاوت نیز یکی از شرایط قاضی این است که کافر نباشد، داوری کافر نافذ نیست، گرچه سایر شروط در او موجود باشد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۶۹۵). همچنین اگر کفار بر شهرها و کشورهای اسلامی غلبه پیدا نمودند و حاکم کافر با آنها مانند حاکم مسلمانان رفتار نمود، حاکم کافر حکم حاکم مسلمان را نخواهد داشت؛ زیرا کافر نمی‌تواند بر مسلمان سلطه پیدا کند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ص ۱۰۲).

امام خمینی علیه السلام براساس این قاعده فقهی با هر نوع سلطه طلبی بیگانگان در امور مسلمانان به شدت مخالفت می‌کند. در واقع مخالفت امام با استعمار و قطع سلطه اجانب و نیز مخالفت با اتکا به قدرت‌های سلطه گر در این راستاست.

ایشان در این باب می‌فرماید: «قرآن می‌گوید هر گز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیر مُسْلِم بر مُسْلِم قرار نداده است. هر گز نباید یک همچو چیزی واقع بشود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا بکند: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَيًّا اصْلًا راه نباید داشته باشند مشرکین؛ و این قدرت‌های فاسده راه نباید داشته باشند بر مسلمین» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۱۷).

۳-۲. اصل وحدت

قرآن کریم به سه نوع وحدت اشاره می‌کند. گاهی مومنان را به وحدت دعوت می‌نماید و گاهی یکتاپرستان را مورد خطاب قرار داده از آنها می‌خواهد متحد شوند. در مرتبه‌ای بالاتر نیز جامعه انسانی یا نوع انسان در این کتاب به وحدت دعوت شده است.

۳-۲-۱. اتحاد مؤمنان

در آیه ۲۰۸ از سوره بقره خداوند متعال چنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآید! و از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست». ^۱ در این آیه به همه افراد جامعه ایمانی خطاب شده که در مقام تسلیم خدا برآیند، چنان‌که کلمه «کافه- همگی» مانند کلمه «جمیعاً» دلالت بر تأکید دارد و چون خطاب به مؤمنین است پس امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است، هم بر یک یک افراد و هم بر جمیع واجب است که در دین خدا چون و چرا نکنند، و تسلیم امر خدا و رسول او گردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۰۱).

۳-۲-۲. اتحاد موحدان

دومین قلمرویی که لسان قرآن تأکید وافر بر وحدت و انسجام دارد، حوزه ادیان الهی است: «بگو: «ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را- غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد. «هر گاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگوئید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!»» ^۲ (آل عمران، ۶۴). اتحاد میان موحدان آن قدر اهمیت دارد که حتی وظیفه دولت اسلامی این است که به ادیان دیگر احترام بگذارد. چنان‌که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در این زمینه می‌فرماید: «دولت اسلامی اگر به وظایف اسلامی عمل کند، برای همه قشرها، برای همه دین‌هایی که رسمی هستند در ایران، برای همه این‌ها احترام قایل است، برای همه این‌ها؛ همان‌طوری که برای سایر قشرهای ملت مسلمان احترام قایل است، برای آنها هم قایل است و این نیست جز اینکه اسلام این طور است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۰۰).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ».
۲. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ».

۳-۲-۳. اتحاد جامعه انسانی

از آنجا که شریعت مقدس اسلام بر مبنای فطرت انسانی نظام یافته است، خداوند متعال نیز نوع انسان را با حدود و ضوابطی محترم شمرده و مسلمانان را به وحدت رفتاری (و نه اعتقادی) با آنها توصیه نموده است: «خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد»^۱ (ممتحنه، ۸).

همچنین قرآن کریم بیان می کند که دولت اسلامی باید پیشنهاد صلح و سازش را از سوی کافران بپذیرد «و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در آی؛ و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست!»^۲ (انفال، ۶۱).

در همین رابطه بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، معتقد است برنامه اسلام، وحدت کلمه مسلمین و اتحاد کشورهای اسلامی است. همچنین در این رابطه باید با تمام دولت های اسلامی در مقابل صهیونیست و دولت های استعمار طلب هم پیمان شد (رک: موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۳۶).

بر همین پایه، وحدت مسلمین به عنوان استراتژی مهم در دیدگاه امام خمینی علیه السلام جایگاه خاصی دارد که همواره بر آن پای می فشرد. وی به شدت تلاش می کرد تا از اختلافات مذهبی بین اهل سنت و شیعیان جلوگیری کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۸۴). یکی دیگر از اقدامات و ابتکارات جمهوری اسلامی در زمان حیات امام در راستای تقویت وحدت اسلامی، اعلام هفته وحدت است که همه ساله مقارن با میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برگزار می گردد.

با توجه به توضیحات یاد شده می توان گفت از منظر اسلام با دولت های اسلامی و حتی دولت های کفر بدون عداوت می توان بنا را بر وحدت، صلح و سازش قرار داد و با

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

۲. «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

آنها ارتباط برقرار کرد. اساساً با رعایت این اصل است که دولت اسلامی می‌تواند با مجامع بین‌المللی و کشورهای جهان ارتباط برقرار نماید و گفتمان توحید و ندای الهی را به گوش جهانیان برساند؛ بنابراین دولت اسلامی می‌تواند از طریق وحدت و همزیستی، افزون بر توسعه روابط خود با ملت‌ها و دولت‌های دیگر، به تبلیغ و گسترش اسلام نیز بپردازد.

۳-۳. اصل حمایت از مستضعفان

حمایت از مستضعفان به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی در اصل ۱۵۴ قانون اساسی در قالب حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان متجلی شده است. اصل ۱۵۴ قانون اساسی بیان می‌دارد: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

در تبیین این اصل، آیه ۷۵ سوره نساء از جمله شواهد بنیادین است که بر ضرورت حمایت از مستضعفان دلالت دارد: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟، همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده. و از برای ما از طرف خود یار و یابوری تعیین فرما».^۱

در این آیه، واژه «مستضعفین» بر موضع لفظ «الله» عطف شده و به آیه این معنا را می‌دهد: که چرا در راه خدا نمی‌رزمید و چرا در راه نجات مستضعفین نمی‌جنگید. همچنین این آیه در قالب یک استفهام، بر جنگ، تشویق و ترغیب دوباره‌ای دارد؛ و این

۱. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».

کار را با یادآوری این نکته انجام می‌دهد که پیکارِ شما، پیکار در راه خداوند سبحان است؛ و فراموش نکنند، که در چنین جنگی، هدف زندگی سعیدشان تأمین می‌شود، چون در زندگی سعادتمند، هیچ هدفی جز رضوان خدا، و هیچ سعادت پرمحتواتر از قرب به خدا نیست، و به یاد داشته باشند که جنگشان، جنگ در راه مردم و زنان و کودکانی است که به دست غداران روزگار به استضعاف کشیده شده‌اند.

بنابراین در این آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آنهایی که ایمانشان خالص است و چه آنهایی که ایمانشان ناخالص و ضعیف است، اما آنهایی که ایمانشان خالص است، برای به حرکت در آمدنشان به سوی جنگ، همان یاد خداوند کافی است، اما آنهایی که ایمانشان ناخالص است، اگر یاد خدا کافی نبود این معنا تکانشان می‌دهد که اولاً این جنگشان، جنگ در راه خدا است، و ثانياً جنگ در راه نجات برخی مردم ناتوان است، که به دست کفار استضعاف شده‌اند؛ بنابراین این آیه به این دسته از مردم می‌فرماید اگر ایمانتان به خدا ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید، و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند از جای برخیزید و شر دشمن را از زن، بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید (نک: طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، صص ۶۷۲-۶۷۳).

این اصل در سیره معصومان (ع) نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که از رسول اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «هر کس صدای فردی را بشنود که مسلمانی را صدا می‌زند و به او جواب ندهد، مسلمان نیست»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۳۵). در این روایت، مسلمان بودن فرد مظلوم را شرط ندانسته است و این نهایت اهتمام معصومان (ع) را در دفاع و حمایت از مظلومان می‌رساند.

بنا بر این اصل، جمهوری اسلامی نمی‌تواند نسبت به سرنوشت مستضعفان ساکت بنشیند، از همین رو بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران همواره بر حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان تأکید می‌کرد و سیاست جمهوری اسلامی ایران را حمایت از تمام ملت‌های مظلوم می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۱۳۳).

۱. «... مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ».

ایشان در این باب می گوید: «ما طرفدار همه مظلومین در همه جا هستیم و میل داریم که مظلومین بر همه ستمگران غلبه کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۹۴). در نهایت باید گفت در منطق اسلام حمایت از مستضعفان بسیار مورد تأکید قرار گرفته و دولت های اسلامی وظیفه دارند همواره در سیاست خارجی خود بر این اصل پافشاری نموده و از تمام ابزارهای دیپلماتیک مانند نشست های جهانی و ابزارهای عملیاتی مانند سازمان هلال احمر و صلیب سرخ جهانی جهت حمایت از مستضعفان بهره ببرد.

۳-۴. اصل نفی رابطه ستمگری و ستم پذیری

یکی دیگر از اصول سیاست خارجی، اصل نفی رابطه ستمگری و ستم پذیری است. اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همین رابطه می گوید: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان... استوار است». با بررسی آیات قرآن می توان گفت مهمترین آیه ای که اشاره به این اصل دارد، آیه ۲۷۹ سوره بقره است: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ». این آیه گرچه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار وسیع اسلامی است که می فرماید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید پرهیز کنند، اصولاً اگر ستمکش نباشد ستمگر کمتر پیدا می شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی تواند به آنها ستم کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۷۷). در واقع این اصل، دو سویه مکمل را در بر می گیرد: از یک سو انسان را از هرگونه ستمگری و تضییع حقوق دیگران باز می دارد و از سوی دیگر، پذیرش ظلم، سلطه و تن دادن به مناسبات ظالمانه را مردود می شمارد. از این رو، این منطق تنها یک توصیه اخلاقی یا حکمی فقهی نیست، بلکه چارچوبی جامع برای سامان دهی مناسبات فردی، اجتماعی، سیاسی و بین المللی و یکی از مبانی تحقق عدالت، کرامت انسانی، عزت و استقلال جوامع اسلامی به شمار می آید.

افزون بر این در منطق قرآن کریم اگر جامعه‌ای ظالم باشد از بین می‌رود (هود، ۱۰۲) و در مقابل آن اگر جامعه‌ای مصلح باشد، خداوند از روی ظلم آنها را از بین نمی‌برد؛ زیرا خداوند ظالم نیست (هود، ۱۱۷). همچنین از منظر قرآن کریم تکیه و اعتماد بر ظالمان جایز نیست؛ زیرا تکیه بر ظالم، مفاسد و نابسامانی‌های فراوانی می‌آفریند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

تکیه بر ظالمان باعث تقویت آنهاست و تقویت آنها باعث گسترش دامنه ظلم می‌شود، در دستورات اسلامی آمده است که انسان تا مجبور نشود (و حتی در پاره‌ای از اوقات مجبور هم شود) نباید حق خود را از طریق یک قاضی ظالم و ستمگر بگیرد؛ چراکه مراجعه به چنین قاضی و حکومتی برای احقاق حق مفهومی به رسمیت شناختن ضمنی و تقویت او است، و ضرر این کار گاهی از زیانی که به خاطر از دست دادن حق می‌شود بیشتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۶۱).

تکیه بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه بتدریج اثر می‌گذارد و زشتی ظلم را از بین می‌برد و مردم را به ستم کردن تشویق می‌کند.

یک جامعه مستقل و آزاد و موفق، جامعه‌ای است که از هر نظر خودکفا باشد و پیوند و ارتباطش با دیگران، پیوندی براساس منافع متقابل باشد، نه براساس اتکاء یک ضعیف بر قوی. این وابستگی خواه از نظر فکری و فرهنگی باشد یا نظامی یا اقتصادی و یا سیاسی، نتیجه‌ای جز استثمار به بار نخواهد آورد.

بنابراین باید گفت اسلام اعتماد بر ظالمان را امضاء نمی‌کند و اساساً از منظر اسلام بایستی روابط براساس قسط و عدل تنظیم شود؛ بنابراین نه سلطه‌گری مورد قبول است و نه سلطه‌پذیری. حتی مسلمانان موظف هستند اگر قدرت پیدا کردند، به کافران ستم نکنند؛ چون خوی استکباری بد است، چنان که حق ندارند به حیوان ستم کنند؛ خواه حرام گوشت باشد یا حلال گوشت، پس ظلم در هر جا مصداق پیدا کرده است ممنوع است و قرآن کریم روابط را براساس قسط و عدل تنظیم می‌کند نه اجازه می‌دهد که کسی از قدرت سوء استفاده و ظالمانه رفتار کند و نه اجازه می‌دهد کسی سلطه‌پذیر باشد: «... نه

ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود»^۱ (بقره، ۲۷۹) (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۲).
بر همین اساس مسئولان جمهوری اسلامی ایران بارها به دولت‌های اسلامی منطقه اعلام کردند که جمهوری اسلامی ایران که محتوای آن براساس عدل اسلامی است و نسبت به آن با تمام جان متعهد است، اجازه ندارد که به حریم دیگران ظلم و ستمگری و تجاوز نماید، و این تعهد الهی اساس نظام اسلام و جمهوری اسلامی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳۲۳). در همین رابطه حضرت امام به صراحت بیان می‌کند «دولت‌های غربی... اگر با عدالت رفتار کنند،... ایران هم با آنان به عدالت رفتار خواهد کرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۵۴۱).

۳-۵. اصل وفای به تعهدات بین‌المللی

این اصل یکی از دستورهای مؤکد اسلام است که آیات بسیاری به آن توصیه کرده‌اند.^۲ یکی از آیات بسیار مهم در این زمینه، آیه اول سوره مائده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید...».
بسیاری از مفسران در رابطه با این آیه معتقدند با توجه به اینکه «العقود» - به اصطلاح - جمع محلی به الف و لام است و مفید عموم می‌باشد، و جمله نیز کاملاً مطلق است، در نتیجه آیه دلیل بر وجوب وفا به تمام پیمان‌هایی است که میان افراد انسان با یکدیگر، و یا افراد انسان با خدا، به‌طور محکم بسته می‌شود، و به این ترتیب تمام پیمان‌های الهی و انسانی و پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تجاری، زناشویی و مانند آن را در بر می‌گیرد و یک مفهوم کاملاً وسیع دارد که به تمام جنبه‌های زندگی انسان اعم از عقیده و عمل ناظر است (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۵۸؛ طبیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۸۸).

۱. «... لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ».

۲. «... وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا...» (بقره: ۱۷۷)؛ «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ...» (آل عمران: ۷۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...» (مائده: ۱)؛ «... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (إسراء: ۳۴)؛ «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مؤمنون: ۸ و معارج: ۳۲).

در منطق قرآن کریم این اصل آن قدر اهمیت دارد که حتی اگر با مشرکان نیز عهد و پیمانی بسته شد نباید آن را نقض کرد. یکی از آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، آیات آغازین سوره توبه است که می‌فرماید: «مگر کسانی از مشرکان که با آنها عهد بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدّتشان محترم بشمرید؛ زیرا خداوند پرهیزگاران را دوست دارد»^۱ (توبه، ۴).

آیات آغازین سوره توبه بعد از فتح مکه نازل شده، بعد از آنکه خدای تعالی در آن روز مشرکان را خوار کرد، و قوت و شوکتشان را از بین برد، اینک در این آیات بر مسلمانان واجب کرده که سرزمین تحت تصرف خود را که بر آن تسلط یافته‌اند از قذارت و پلیدی شرک پاک کنند، و به همین منظور، خون مشرکین را بدون هیچ قید و شرطی هدر کرده، مگر آنکه ایمان آورند، و با این همه تهدید، جمعی از مشرکان را که بین آنها و مسلمانان عهدی برقرار شده استثناء کرده، و فرموده متعرض آنان نشوند، و اجازه هیچگونه آزار و اذیت آنان را به مسلمین نداده، با اینکه روزگار، روزگار ضعف مشرکین و قوت و شوکت مسلمانان بوده است، و هیچ عاملی نمی‌توانسته مسلمانان را از آزار و اذیت آن عده جلوگیری شود، و همه این‌ها به خاطر احترامی است که اسلام برای عهد و پیمان قایل است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، صص ۱۵۹-۱۶۰).

شایان ذکر است لزوم وفاء به پیمان‌های دو جانبه مادامی است که از یک طرف نقض نشده باشد، اما اگر از یک طرف نقض شود، طرف مقابل ملزم به وفاداری نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۴۵)؛ زیرا اگر در این صورت نیز نقض و تجاوز جایز نباشد، معنایش این است که یکی دیگری را برده و مستخدم خود نموده و این در اسلام آن قدر مذموم است که می‌توان گفت نهضت دینی جز برای از بین بردن آن نبوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۶۰).

۱. «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَكُمْ شَيْئاً وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتُوا إِلَيْهِمْ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَنِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ».

قرآن کریم در همین رابطه می‌فرماید: «و هر گاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به‌طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائن را دوست نمی‌دارد»^۱ (انفال، ۵۸). در چنین موقعیتی باید بیم واقعی براساس اطلاعات صحیح از تحرکات و تصمیم‌گیری‌های دشمن باشد. صاحب جواهر در این مورد می‌گوید: در مواردی که فسخ یک طرفه از طرف مسلمین اعلام می‌گردد، باید شرایط آن‌چنان باشد که خطر و قصد خیانت از ناحیه دیگر متعاهدین کاملاً محسوس و ثابت باشد و اما احتمال خیانت بدون استناد به مدارک اطمینان‌بخش هیچ‌گاه مجوز فسخ یک‌جانبه از سوی مسلمانان نخواهد بود (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۲۹۴).

این اصل در روابط بین‌الملل نیز بسیار دارای اهمیت است. در روابط بین‌الملل قراردادهای گوناگون اجتماعی، نظامی، اقتصادی و دوجانبه یا چندجانبه بین دولت‌های جهان به نمایندگی از ملل امضا می‌گردد. دولت اسلامی یکی از آن دولت‌هاست که می‌تواند طرف قرارداد واقع شود. عضویت این دولت در قراردادها مشروط به آن است که برخلاف اصول ارزشی آن دولت یا ظاهر کتاب و سنت نباشد، کما اینکه وفای به تعهدات نیز مطلق نیست، بلکه منظور از آن، عهدی است که در شرایط عادلانه و بدون اجبار و مقاصد سوء شکل گرفته و مصالح طرف‌های قرارداد منصفانه ملاحظه شده باشد و شرایط نیز همچنان باقی باشد و در ضمن امضاکنندگان آن نیز نمایندگان واقعی دولت اسلامی باشند (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱). حضرت امام خمینی علیه السلام کلیه قراردادهایی را که دولت اسلامی - با استقلال کامل - آن را تعهد کرده‌است، برای خود الزام‌آور می‌داند. نمونه بارز آن پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود که امام اعلام کرد: «من باز تأکید می‌کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم، و هر گز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۳۴).

۱. «وَ إِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ».

۳-۶. اصل صلح با دول غیر محارب

روابط صلح آمیز با دول غیر محارب، در اصل ۱۵۲ قانون اساسی، به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانسته شده است. مهمترین آیاتی که به این اصل اشاره دارند، عبارتند از: (بقره، ۲۰۸)^۱، (نساء، ۹۰-۸۹)^۲ و (انفال، ۶۱)^۳. براساس دو آیه اخیر برقراری روابط صلح آمیز با کشورهای غیراسلامی مشروط به انعقاد قرارداد و پیمان صلح نیست بلکه صرف خودداری دشمنان از ادامه جنگ از سوی آنان، برای کنار گذاشتن جنگ از سوی مسلمانان کافی قلمداد شده است. یکی از موضوعات بسیار مهمی که به صلح مربوط می شود، موضوع جهاد است. جهاد در دین اسلام در چند مورد است. یک مورد، جهاد ابتدایی است، یعنی جهاد بر مبنای اینکه اگر دیگران [غیر مسلمان باشند] مخصوصاً اگر مشرک باشند، اسلام اجازه می دهد که مسلمانان اگرچه اینکه سابقه عداوت و دشمنی هم با آنها نداشته باشند برای از بین بردن شرک به آنها حمله کنند. در این نوع جهاد اذن امام یا منصوب خاص امام شرط است. از نظر فقه شیعه این نوع جهاد جز در زمان حضور امام یا کسی که شخصاً از ناحیه امام منصوب شده باشد جایز نیست؛ بنابراین از نظر فقه شیعه الآن یک نفر حاکم شرعی هم مجاز نیست که دست به این چنین جنگ ابتدایی بزند.

مورد دوم جهاد آن جایی است که حوزه اسلام مورد حمله دشمن قرار گرفته؛ یعنی جنبه دفاع دارد، به این معنا که دشمن یا قصد دارد بر بلاد اسلامی استیلا پیدا کند و همه یا قسمتی از سرزمین های اسلامی را اشغال کند، یا قصد استیلای بر زمین ها را ندارد، قصد استیلای بر افراد را دارد و می خواهد عده ای از افراد را اسیر کند؛ بنابراین اگر

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ».

۲. «وَقَدْ وُلِّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْفُرُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَحُذِّهُمُ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَرَثَةً وَلَا تُنصِرُوا إِلَّا الَّذِينَ يُصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حِصْرًا خَصِرَتْ ضُدُّوهُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قُوَّةَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَرَفُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا».

۳. «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

چیزی از مال، جان، سرزمین و یا اموری که برای مسلمانان محترم است مورد حمله دشمن قرار گیرد، در اینجا بر عموم مسلمین اعم از زن و مرد و آزاد و غیر آزاد واجب است که در این جهاد شرکت کنند و در این جهاد اذن امام یا منصوب از ناحیه امام شرط نیست (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶، صص ۶۲۴-۶۲۵).

در مقام جمع‌بندی صلح و جهاد در اسلام می‌توان گفت: دین اسلام طرفدار صلح است و اساساً روح اسلام روح صلح طلبی است، اما در مواردی نیز جهاد لازم است. در جایی که طرف مقابل حاضر به همزیستی شرافتمندانه نیست و ظالم است و می‌خواهد به نحوی شرافت انسانی را پایمال کند، در چنین موردی اگر انسان تسلیم شود، ذلت را متحمل شده است. به اتفاق جمیع مفسران اولین اجازه‌ای که به مسلمانان در رابطه با جهاد داده شده، زمانی است که آنها مورد ظلم واقع شده‌اند^۱ (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، صص ۲۲۳-۲۲۴).

جمهوری اسلامی ایران به پیروی از قرآن و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) بنای خود را در سیاست خارجی، بر صلح قرار داده است و پای‌بندی خود به این اصل را در طول سالیان متمادی نشان داده است. بعضی از افراد برای تئوریزه کردن سازش، تسلیم و اطاعت در مقابل زورگویان، نظام جمهوری اسلامی ایران را به جنگ‌طلبی یا به تئوریزه کردن جنگ متهم می‌کنند، در حالی که چنین نیست و نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه شرف و احترام به کرامت بشر (شهید حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۳/۴).

در همین راستا بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران سیاست دولت اسلامی را احترام متقابل می‌داند و از نظر ایشان در این مسئله فرقی بین ابرقدرت‌ها و غیر آنها نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۱۱).

در اندیشه امام خمینی (ره) مبنای ارتباط دولت اسلامی با دولت‌های غیر محارب

۱. «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ أُوذِيَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج، ۳۸-۴۰).

براساس صلح است و دولت اسلامی نباید با دولت‌های دیگر قطع رابطه کند؛ زیرا قطع رابطه با دولت‌ها برخلاف عقل و شرع است. اگر دولت اسلامی با دولت‌های دیگر هیچ رابطه‌ای نداشته باشد، شکست خواهد خورد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۹۳).

۳-۷. اصل استقلال

در اصطلاح علوم سیاسی برای استقلال تعاریف متفاوتی ارائه شده است؛ مانند: جدا بودن حاکمیت یک کشور از هر نوع سلطه خارجی (آقابخشی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴) و آزادی اراده ملی برای اداره امور داخلی و خارجی خود که از خلال سازمان سیاسی دولت پدیدار می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۴۵ و ۶۱). برخی نیز حاکمیت کشور در عرصه روابط بین‌الملل را معادل استقلال دانسته‌اند (هاشمی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۹۲). بنابر این اصل، «هیچ دولتی حق تهدید یا استفاده از زور بر ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دیگر کشورها را ندارد».^۱ قانون اساسی در اصل نهم خود در رابطه با اصل استقلال بیان می‌دارد که «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه‌ای وارد کند».

در قرآن کریم واژه استقلال به صراحت نیامده، ولی این مفهوم از برخی واژه‌ها، تعبیرها و موضوعات قابل استنباط است. مانند عدم میل و اعتماد به ظالمان (هود، ۱۱۳)، عزت مسلمانان (نساء، ۱۳۹؛ فاطر، ۱۰؛ منافقون، ۸)، نفی سبیل کافران (نساء، ۱۴۱)، نداشتن دوستی صمیمانه با مشرکان (مائده، ۵۷)، پیروی نکردن از اهل کتاب و کفار (آل عمران، ۱۴۹-۱۵۰؛ مائده، ۴۹) و نپذیرفتن سلطه و سرپرستی اهل کتاب (مائده، ۵۱-۵۲).

اکنون برخی از این مفاهیم و تعبیر به صورت مختصر بررسی می‌شود.

۳-۷-۱. عدم میل و اعتماد به ظالمان

مسلمانان نباید به ظالمان تکیه و اعتماد کنند «و بر ظالمان تکیه ننمایید...» (هود،

۱. بند ۴، ماده ۲ منشور ملل متحد.

۱۱۳). رکون در این آیه به این معنا است که در امر دین و یا حیات دینی طوری به ستمکاران نزدیک شود که نزدیکیش توأم با نوعی اعتماد و اتکاء باشد، و دین و خدا و یا حیات دینی را از استقلال در تأثیر انداخته، و از آن خلوص اصلیش ساقط کند و معلوم است که نتیجه این عمل این است که راه حق از طریق باطل سلوک شود، و یا حق با احیای باطل احیاء گشته و بالأخره به خاطر احیائش کشته شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۵۱).

بنابراین می توان گفت تکیه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می شود و این وابستگی خواه از نظر فرهنگی باشد یا نظامی یا اقتصادی و یا سیاسی، نتیجه ای جز اسارت و استثمار ندارد.

۳-۷-۲. عزّت

در قرآن کریم از دو نوع عزّت سخن رفته است:

الف) از منظر قرآن کریم عزّت راستین همان عزّت الهی است که رسول خدا ﷺ و مؤمنان از آن برخوردارند (منافقون، ۸)، این «عزّت» از اسمای حسناى الهی (عزیز) است که بالاصاله از آن خداست و ظهورش دربندگان اوست؛ بنابراین هیچ کس غیر از خدا عزیز نیست و تنها عزّت خداست که در دیگران ظهور می کند (فاطر، ۱۰).

ب) عزّت خیالی و موهوم: همان عزّتی است که کافران و منافقان برای خود می پنداشتند و خود را عزیز می شمردند: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ...» (منافقون، ۸) (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۹ «الف»، ج ۱۳، صص ۵۵۸-۵۶۰).

در نهایت باید گفت اگر فرد یا جامعه ای از عزّت راستین برخوردار باشد و به خداوند متعال متکی باشد، همواره استقلال خود را می تواند حفظ نماید اما اگر فرد یا جامعه ای از عزّت خیالی برخوردار باشد (مانند منافقان) همواره وابسته است و این وابستگی موجب ذلّت و عذاب الهی نیز می شود.

امام خمینی رحمته الله سیاست دولت اسلامی را حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل می داند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۱۱). ایشان در این رابطه

تصریح می‌کند: «اصلی که غیرقابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۱۴).

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در رابطه با این اصل معتقد است قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد و اساساً اصل استقلال ملی یکی از بنیادهای اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۴۳).

نتیجه‌گیری

۱. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر جمهوری اسلامی ایران بالاترین مقام را برای تصمیم‌گیری‌های کلان در سیاست خارجی نظام دارد. بررسی بیانیه‌ها و سخنرانی‌های ایشان نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری‌ها و دیدگاه‌های وی براساس اصول قرآنی و فقهی است.

۲. این پژوهش، افزون بر اینکه می‌تواند مورد استفاده سیاستمداران کشورمان در عرصه بین‌المللی قرار گیرد، نخبگان دیگر جوامع، بویژه کشورهای اسلامی، مراکز تصمیم‌گیری و سیاستگذاری و همچنین دیگر کشورها می‌توانند تحلیل بیانات امام خمینی (ع) را در مورد سیاست خارجی به‌عنوان الگوی سیاست خارجی خود مدنظر قرار داده و استفاده نمایند.

۳. مهمترین اصول سیاست خارجی در قرآن کریم با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ع) را می‌توان در این موارد جست: نفی سبیل، وحدت، حمایت از مستضعفان، نفی رابطه ستمگری و ستم‌پذیری، وفای به تعهدات بین‌المللی، صلح با دول غیر محارب و استقلال.

۴. براساس اصل نفی سبیل هرگونه رفتار، داد و ستد، تعامل و روابط دولت اسلامی و مسلمانان که زمینه استیلا و برتری کفار را بر مسلمانان فراهم نماید، مردود و خلاف شرع است.

۵. از منظر اسلام با دولت‌های اسلامی و حتی دولت‌های کفر بدون عداوت می‌توان

بنا را بر وحدت، صلح و سازش قرار داد و با آنها ارتباط برقرار کرد و با رعایت این اصل، دولت اسلامی می‌تواند با مجامع بین‌المللی و کشورهای جهان ارتباط برقرار نماید و گفتمان توحید و ندای الهی را به گوش جهانیان برساند. از همین رو امام خمینی رحمه الله این اصل را به عنوان یکی از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌دانست و به شدت تلاش می‌کرد تا از اختلافات بین اهل سنت و شیعیان جلوگیری کند.

۶. امام خمینی رحمه الله سیاست دولت اسلامی را حفظ استقلال و احترام متقابل می‌داند و بر این باور است این اصل که غیر قابل تغییر است یکی از بنیادهای اسلام است.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی. (۱۳۷۳). قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
- ** قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- آقابخشی، علی؛ مینو افشاری راد. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی (چاپ سوم). تهران: مرکز اطلاعات علمی ایران.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم) قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (محقق/ مصحح: عبد السلام محمد هارون). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- حسین پوراصل، محمد؛ حدادی، محسن؛ لک زایی، نجف. (۱۴۰۴). اصول حکمرانی سیاست خارجی در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری: مطالعه موردی تفسیر سورة ممتحنه، پژوهش های قرآنی، ۳۰(۴)، صص ۹۵-۱۲۸.
- حسینی خامنه ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۳/۴). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نرم افزار حدیث ولایت.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۸۵). مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). اسلام و روابط بین الملل (محقق: حجت الاسلام سعید بندعلی) قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹/الف). تسنیم (محقق: حجت الاسلام عبدالکریم عابدینی، چاپ سوم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹/ب). تسنیم (محقق: حجت الاسلام مجید حیدری فر). قم: مرکز نشر اسراء.

رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح) (محقق/ مصحح: صبحی صالح). قم: هجرت.

سجادی، سید عبدالقیوم. (۱۳۸۰). «اصول سیاست خارجی در قرآن»، علوم سیاسی، ۴(۱۵)، صص ۱۶۹-۱۸۲.

علی بابایی، غلامرضا؛ آقایی، بهمن. (۱۳۶۵). فرهنگ علوم سیاسی. بی جا: نشر ویس.
عمید زنجان، عباسعلی؛ توکلی، محمد مهدی. (۱۳۹۱). مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حقوق ۴۲(۲)، صص ۲۱۷-۲۳۲.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۸). المیزان فی تفسیر القرآن (مترجم: محمد باقر موسوی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد مجاهد. (بی تا). کتاب المناهل. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. اصفهان: کتابخانه امام أمير المؤمنين علی علیه السلام.
قرشی بنابی، سید علی اکبر. (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحديث (چاپ دوم). تهران: بنیاد بعثت.
کاشف الغطاء، حسن بن جعفر. (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهه - کتاب المکاسب (لکاشف الغطاء). نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.

کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۲). روابط بین الملل در تنوری و در عمل. تهران: نشر قومس.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامية.

محمدی، منوچهر. (۱۳۶۶). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: امیر کبیر.
مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (چاپ هشتم). قم: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (چاپ دهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الابرار (چاپ پنجم). تهران: امیرکبیر.

موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (چاپ پنجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (محقق: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۵). جواهرالکلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

هاشمی، محمد. (۱۳۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ پنجم). تهران: میزان.

Plano, Jack C, (and Roy Dilton)(1988(The International Relations Dictionqry, U. S. A: longman.